

پژوهشی پیرامون قلمرو انتظار از قرآن

قرآن ناب ترین و اعجاب برانگیزترین متن وحیانی و آسمانی است، که از جانب مسلمانان با دو رویکرد مواجهه بوده است. رویکرد درونی که همان تلاش در جهت فهم معانی و مفاهیم ژرف این متن دینی است و رویکرد بیرونی که حاصلش دانشی بنام علوم قرآنی است. رویکرد درونی که از دیرباز و شاید همزمان با نزول وحی مورد توجه و استقبال مخاطبان وحی قرار گرفته است؛ حاصلش گسترش و نفوذ فرهنگ نوین و عمیق اسلامی در جامعه جهانی معاصر نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) و تداوم آن تا هم اکنون بوده است. تألیف و تصنیف کتب تفسیری فراوان نیز حاصل دیگر این رویکرد مهم بوده است.

اما رویکرد بیرونی با کمال تأسف نه تنها هم پای رویکرد درونی رشد نکرده است، بلکه تا چند دهه بعد از نزول قرآن کریم مورد بی مهری مسلمانان بوده است. [1] علوم قرآنی که نتیجه رویکرد بیرونی مسلمانان به قرآن است، هنوز هم در میان ایشان قدر و منزلت متناسب خویش را پیدا نکرده است.

این دانش گرچه جنبه تمهیدی [2] و مقدماتی دارد اما ارتباطش با تفسیر که رویکرد درونی به قرآن است بسیار مهم و روشن است و در اهمیت این ارتباط بعضی صاحب نظران نوشته اند:

«اهمیت علوم قرآنی به حدی است که فهم قرآن به صورت دقیق بدون فهم آن مباحث ممکن نیست» [3]. علوم قرآنی دارای مباحث گسترده ای است که بعضی از آن ها از اقبالی خوش برخوردار بوده و توجه بدان ها دارای سابقه ای کهن و دیرینه است. [4] به عنوان نمونه می توان از بحث شأن نزول [اسباب نزول] نام برد که از دیرباز مورد توجه و عنایت مفسران و پژوهشگران قرآنی بوده است.

ر این مقاله در صدد پرداختن به جامعیت قرآن به عنوان یکی از موضوعات مهم علوم قرآنی، که مورد توجه بوده هستیم. [5] ولی با این همه به نظر می رسد، این بحث همچنان دارای زوایای ناگشوده ای است که می باید، کوششها و تلاشها را تداوم داد. این مقاله جنبه توصیفی و گزارشگری داشته و لذا از نقد و بررسی نظرات و دلائل ارائه شده صرفنظر کرده و در برخی موارد اندک به نکاتی انتقادی اشاره شده که تفصیل آن نقدها و نقل ها فرصتی فراختر می طلبد.

تعریف جامعیت از واژگان نو پیدایی است که وارد حوزه علوم قرآنی شده است. در میان پیشینیان و در آثار مکتوب ایشان عنوانی به این نام مورد بحث قرار نگرفته است بلکه نظریات مربوط و مرتبط با این عنوان در ذیل مباحثی چون «علوم مستنبط از قرآن» [6] و یا دایره شمول و قلمرو معارف قرآنی، مورد اشاره قرار گرفته اند. تعریف لغوی:

جامعیت در لغت به معنی «فراگیری، وضع یا کیفیت جامع بودن» [7] و در برخی دیگر از منابع به معنی «شمول و فراگیری» آمده است. [8]

تعریف اصطلاحی:

1. برخی در تعریف جامعیت گفته اند: منظور از جامعیت این است که در آن از هیچ نکته و مسأله ای غفلت نشده است و همه چیز را در خود دارد و وقتی جامعیت قرآن می گوئیم مرادمان این است که هر آنچه مورد نیاز

انسان است در قرآن هست چه نیازهای دینی انسان و چه نیازهایی که وصف دینی ندارند. [9]

2. عده ای دیگر در تعریف جامعیت گفته اند: منظور از جامعیت جامع بودن در حوزه مسؤولیت دین است؛ یعنی آنچه را دین موظف به بیان آن بوده است را قرآن بیان کرده است. بنابراین مرادمان از جامعیت بیان امور غیر مرتبط با حوزه مسؤولیت دین نیست تا کسی انتظار بیان علوم و فنون مختلف را از قرآن داشته باشد. [10]

3. بعضی از صاحب نظران نیز معتقدند: جامعیت قرآن به این معنی است که هر آنچه از متون وحیانی دیگر ناب و خالص بوده است و باقی بوده تا زمان بعثت نبی اسلام و یا تحریف شده است و در زمان وحی محمدی (صلی الله علیه وآله) نبوده است، در این متن وجود دارد، به بیان دیگر قرآن جامع معارف وحیانی است که در دیگر متون دینی بوده است. [11] نتیجه آنکه جامعیت در اصطلاح به معنی فراگیری و شمول است، حال این شمول چه در عرصه آموزه های دینی باشد و چه توسعه داشته باشد و امور غیر دینی را نیز شامل بشود.

جامعیت در آیات و روایات: برای روشن تر شدن بحث لازم است به جستجوی این واژه در متون دینی بپردازیم و ببینیم قرآن یا روایات چه تعریفی از این واژه ارائه کرده اند. نکته قابل توجه این است که واژه جامعیت هیچ کاربردی در قرآن کریم نداشته است. [12] حتی خدای سبحان که در کلام خویش با صراحت تمام از کمال کلام خود و تبیان بودن آن سخن گفته است، با واژه گانی هم ریشه و هم خانواده با این واژه یعنی جامعیت، نیز به آن نپرداخته است. تأمل انگیزتر اینکه سنت که شارح وحی است نیز حتی يك مورد از واژه جامعیت قرآن استفاده نکرده است و آن را به کار نبسته است. البته قابل تذکر است که در روایات يك مورد از واژه «جمع» که هم خانواده واژه جامعیت است استفاده شده که بدان اشاره می کنیم. «عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام)»، قال يا عبدالعزيز جهل القوم و خدعوا عن اديانهم، إن الله تعالى لم يقبض لنبیّه (صلی الله علیه وآله) حتی اکمل له الدين و انزل عليه القرآن و فيه تفصيل کل شیء بین فيه الحلال و الحرام و الحدود و للأحكام و جميع ما يحتاج اليه کملاً، فقال عزوجل «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ». [13] معیارها و ملاکهای جامعیت جامعیت معیارها و ملاکهایی دارد که برخی از صاحب نظران به مواردی از آنها اشاره کرده اند. از جمله اینکه مهمترین معیار جامعیت «توجه به ابعاد وجودی انسان» است. «چرا که انسان ابعاد مادی و فوق مادی (ملکوتی) دارد، و يك قانون جامع، قانونی است که به همه این ابعاد و نیازهای مبتنی بر این ابعاد توجه کند» [14] برخی دیگر ضمن کاربردی کردن ملاکهای جامعیت نوشته اند که: «الف) کلی نگری، ب) مطابقت با فطرت، ج) انعطاف پذیری، د) شایستگی برای جاودانه بودن، ه) سازگاری اجزای دین، و) شمول و گستردگی، ز) عقلانی بودن» [15] از معیارها و ملاکهای جامعیتند. به نظر می رسد که ملاک «جامعیت» در تعریفش نهفته است. ملاک جامعیت فراگیری و شمول است. وقتی ادعا می شود متنی جامعیت دارد این بدان معناست که متن مورد بحث یا در حوزه متناسب خودش و یا کلاً هیچ حوزه ای را فروگذار نکرده و بدانها پرداخته است و به بیان دیگر متن مورد بحث تصویری واضح از هستها و بایدهای گسترده و دراز دامن جهان و انسان ارائه داده است. نظریات مختلف در مورد جامعیت نظریات ارائه شده پیرامون جامعیت را می توان ذیل چهار نظریه گنجانند؛ که ضمن اشاره به هر نظریه برخی دلائل ارائه شده رانیز مورد اشاره قرار خواهیم داد.

نظریه اول و دلائل آن: جامعیت مطلق قرآن:

طرفداران این نظریه معتقدند، که قرآن جامع همه چیز و هر چیزی است. قرآن حتی به اصول اساسی علوم و فنون مختلف نیز پرداخته و به آنها اشاره کرده است. [16] به قول مولوی: «این نجوم و طبّ وحی انبیاء است».

[17] این نظریه را به بزرگانی همچون، ابوحامد غزالی، [18] ابوالفضل المرسی، [19] بدرالدین زرکشی، [20] جلال الدین سیوطی، [21] حسن البناء [22] و... [23] نسبت داده اند. این نظریه اگرچه در میان پژوهشگران علوم قرآنی و مفسران متن وحیانی از اقبال چندانی برخوردار نبوده است ولی همیشه در هر عصری طرفدارانی هر چند اندک داشته است. [24] قبل از توضیح دلائل این نظریه ابتدا تصویر روشنی از آن ارائه خواهیم کرد. طرفداران این نظریه معتقدند که «قران علوم اولین و آخرین را جمع کرده» [25] به گونه ای که «خداوند در آن از شماره های حساب و جمع و تقسیم و ضرب و توافق و تألیف و مناسبت و تنصیف و فزون یاد آورده» [26] است. بعضی از ایشان بالاتر از ورود «اصول هر علمی» اعتقاد دارند: «اگر زانوبند اشترم گم شود نیز در کتاب خدای تعالی می یابم». [27] برخی از ایشان نیز با استناد به بعضی آیات کریمه قرآن در صدد اثبات «نسبیت انیشتاین» و «تکامل داروینی» و «کوانتم مکانیک» بر آمده اند. [28] به نظر می رسد این آراء تصویر روشنی از این نظریه ارائه می کنند، اکنون برای وضوح بیشتر نظریه لازم است که به برخی از مهمترین دلائل این نظریه اشاره کرد. دلائل این نظریه را می توان به دلائل درونی و بیرونی تقسیم کرد. دلائل درونی:

طرفداران این نظریه ضمن استناد به آیات و تمسک به آنها سعی در اثبات و دفاع از نظریه خویش را نموده اند. آیات: در قرآن کریم آیاتی همچون «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» [29]، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِينًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» [30] و... وجود دارند که طرفداران این نظریه ضمن استناد به آنها سعی کرده اند رأی خویش را فرآیندی از فهم و جمع این آیات بدانند. یکی از محققان و مؤلفان بزرگ علوم قرآنی که خود به این نظریه معتقد است ضمن نقل دو آیه شریفه فوق می نویسد: «و من می گویم: کتاب عزیز خداوند بر هر چیزی مشتمل است، اما انواع علوم هیچ باب و مسأله ای که پایه و اصل، باشد نیست مگر آن در قرآن بر آن دلالتی هست» [31] و یکی دیگر از ایشان می گوید: «قرآن شامل هر چیزی است و متعرض علوم و فنون و... شده است... چرا که خود فرموده «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» [32]. دلائل بیرونی:

الف) روایات: مدافعان نظریه فوق در تأیید برداشت خود از آیات کریمه الهی و هر چه دینی تر کردن آن برداشت، به روایاتی چند نیز تمسک کرده اند که از آن جمله می توان به «و سعید بن منصور از ابن مسعود آورده که گفت: «هر کس علم می خواهد بر او باد قرآن که در آن خبر اولین و آخرین هست» بیهقی گفته: یعنی: اصول علم» [33] اشاره کرد. و یا روایاتی همچون «کتاب خدا، در آن است خبر پیش از شما و خبر بعد از شما، و حکم ما بین شماها». [34] که در منابع شیعی و اهل سنت نقل شده است.

ب) نگاه تطبیقی بعضی از معتقدان به جامعیت مطلق قرآن ضمن بیان تطبیقی و خارجی برخی آیات بر حرف و فنون مختلف سعی در دفاع از نظریه خویش کرده اند. به عنوان نمونه ایشان در مورد اثبات وجود اصول صنایع و نامهای ابزارهای ضروری آنها همانند، خیاطی به آیه 22 سوره اعراف، نویسندگی به آیه 4 سوره علق، کشاورزی به آیه 63 سوره واقعه و... استناد کرده و سعی در دینی جلوه دادن تمامی این فنون و حرف کرده اند. [35] در مورد علوم جدید نیز برخی از ایشان نوشته اند: «آیاتی که تفسیر آن به دانش علوم جدید مرتبط می گردد بسیار است». [36] و هم ایشان برای همسوسنشان دادن آموزه های وحیانی با نوآوریهای دانش جدید در عرصه انسان شناسی و تأیید نظریه تك سلولی حیوانی به آیاتی چون 7 و 8 سوره سجده، 67 مؤمن، 71 سوره صاد، 45 سوره نور، 189 سوره اعراف... استناد کرده و می نویسد: «شاید منظور آیه 45 سوره نور همین باشد که: تمام حیوانات از يك منشأ پدید آمدند و سپس به پرندگان و چرندگان و غیره تقسیم شدند و انسان هم از تغییر و پیشرفت و تحول نوعی حیوان به وجود آمده». [37] این نظریه به نظر می رسد همچنان به حیات خویش تداوم داده و با توجه به

نظریه دوم و دلائل آن: جامعیت نسبی قرآن:

معتقدان به این نظریه می گویند: قرآن جامعیت دارد ولی جامعیتش محدود به حیطه مورد انتظار و محدوده مسؤولیت قرآن است. به بیان دیگر قرآن چون برای هدایت است، جامعیتش نیز در همین قلمرو قابل پذیرش است و نه بیشتر، البته خود این صاحب نظران نیز به دو دسته طرفداران جامعیت نسبی حداقلی و جامعیت نسبی حداکثری قرآن تقسیم می شوند که از پرداختن به این نکته به جهت اختصار صرف نظر می کنیم. [38] این نظریه پرطرفدارترین نظریه در میان محققان علوم قرآنی و مفسران بوده است. نظریه جامعیت نسبی همان گونه که در میان گذشته گان دارای بیشترین اقبال و استقبال بوده است، در میان معاصرین ما نیز چنین است. [39] جامعیت نسبی چون مورد توجه بیشتر بوده است لذا مستندات بیشتر و قویتر نسبت به دیگر نظریات - را نیز در پی داشته است. طرفداران این نظریه دلائل متعدد و مختلفی از کتاب، سنت و عقل ارائه کرده اند که ما به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد ولی قبل از آن لازم به تذکر است که ادله ایشان را می توان به دو دسته تقسیم کرد... دلیل عقلی و دلائل نقلی. دلائل نقلی مستندات قرآنی و روایی ایشان است و دلیل عقلی شامل استنادات عقلی طرفداران این نظریه است که ابتدا به دلیل عقلی ایشان اشاره می کنیم.

الف) دلیل عقلی: لازمه خاتمیت نبوت، جامعیت قرآن است: [40] برخی از طرفداران جامعیت نسبی قرآن معتقدند «... اگر پیامبر اسلام، خاتم پیامبران است، و پس از وی پیامبری نخواهد آمد و کتاب یا دستور و یا شریعتی پس از وی نازل نخواهد شد، معنایش جاودانگی دستورها و تعالیم است. لذا آنچه بایسته آوردن بوده، آورده و آن چه بایسته گفتن بوده را گفته، «تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ» بوده و از هیچ چیز فرو گذار نکرده اما اگر در این زمینه نیازمند راهنمایی دیگران بود، احکامش جاودانی و جامع نبود.» [41] نتیجه اینکه: «اگر دستورات قرآن جامع نباشد لازم می آید که بعداً قوانین و مقرراتی بیاید که یا آنها را نسخ و یا تکمیل کند و این با خاتمیت نبی منافات دارد.» [42] با این تقریر این صاحب نظران معتقدند که لازمه خاتمیت نبی اسلام (ص) جامعیت قرآن است. ولی همان گونه که اشاره کردیم، این صاحب نظران جامعیت را نسبی دانسته و محدود به هر آنچه لازمه هدایت بشری است، کرده اند ایشان معتقدند: «... اما اینکه شمولیت قرآن به این معنی باشد که شامل علومى چون طبّ و فیزیک و کیمیا... می شود کلامی در نهاییه خطاست، چرا که شمول در این آیه «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» به معنی بیان آنچه که در محدوده هدایت الهی است و دخالت در حیات معنوی انسانی دارد می باشد.» [43]

ب) دلیل نقلی: طرفداران جامعیت نسبی قرآن در تأیید نظریه خویش به آیات و روایاتی استناد کرده اند که به مواردی از آنها اشاره می کنیم. تذکر این نکته لازم است که آیات مورد نظر ایشان برخی شان همان آیاتی است که معتقدان به نظریه اول نیز بدانها تمسك کرده بودند که تنها نکته تفاوت در نوع برداشت هر يك از ایشان از این آیات مشترك است. آیات: طرفداران نظریه دوم به آیاتی از جمله 89 سوره نحل، 111 سوره یوسف، 3 سوره مائده، 38 سوره انعام و آیاتی که قرآن و دین اسلام را دینی جهانی معرفی کرده اند همانند، آیه 107 سوره انبیاء، 52 سوره قلم، 28 سوره سبأ و... استناد کرده اند. [44] به عنوان نمونه به یکی از بهترین آیات که این صاحب نظران آنرا برای اثبات جامعیت نسبی قرآن تقریر کرده اند اشاره می کنیم. «یکی از آیاتی که سخت مورد توجه قرآن پژوهان و کلامی ها قرار گرفته آیه شریفه «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيِيْنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً...» می باشد....

جمله مورد استشهاد «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» است که عموم مفسران برای جامعیت قرآن به آن استناد کرده اند و از این جهت تردیدی روا نداشته اند. در توضیح معنای آیه گفته اند: قرآن در مقام بیان هر امر مشکل و نیازی است، مشکلاتی که به حلال و حرام، ثواب و عقاب و هدایت و ضلالت مردم مربوط می گردد. وقتی «تَبَيَّنَّا» با کلمه «لَكُلِّ شَيْءٍ» ضمیمه می شود، عمومیت را فایده می دهد و شامل همه مسائلی می شود که از نظر عقلا از دین توقع بیان آن می رود. چون ما به عیان مشاهده می کنیم که قرآن در بسیاری از مسائل ساکت است و به آنها نپرداخته و هیچ گاه نه در عهد پیامبر و نه بعدها از قرآن چنین توقعی نداشته اند که قرآن باید این اموری که از حوزه دین بیرون است را بیان کند، لذا نمی توانیم بگوئیم منظور از «لَكُلِّ شَيْءٍ» بیان همه اشیای عالم است.» [45] محققان و مفسران طرفدار این نظریه با توجه به واقعیت های بیرونی، دایره دین را محدود به هدایت و لوازم آن کرده اند و تعبیراتی همچون «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ»، «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» و... را مطابق این برداشت تفسیر کرده اند. ایشان دیگر آیات شریفه را نیز بر همین روال مورد مطالعه و استناد قرار داده اند که از ذکر آنها صرفنظر می کنیم. [46] روایات: معتقدان به نظریه دوم روایاتی چند را نیز در تأیید رأی خویش آورده اند که مضامین آن روایات را نیز به سبک آیات مورد بحث توضیح، تبیین و احیاناً توجیه کرده اند. [47] به عنوان نمونه می توان از روایت مرازم از امام صادق((علیه السلام))، [48] مسعده بن صدقه از امام صادق((علیه السلام))، [49] ایوب بن حرّ از امام صادق((علیه السلام))، [50] و... نام برد. برخی از پژوهشگران قرآنی نیز روایات موجود در این زمینه را در حدّ استفاضه دانسته و ادعا کرده اند: «در روایات مربوط به جامعیت - که شاید بتوان ادعا کرد در حد استفاضه است - دو محور مورد تأکید قرار گرفته...» [51]

نظریه سوم و دلائل آن: جامعیت مقایسه ای: [52]

بعضی از صاحب نظران جامعیت قرآن را در مقایسه با دیگر متون وحیانی قابل تعریف دانسته اند ایشان معتقدند که قرآن جامع است در مقایسه با دیگر کتب وحیانی، چرا که پیامبر اسلام خاتم پیامبران است و دارای مقام جامع می باشد. چون چنین است متنی که بر وی نازل شده نیز همانند وی جامعیت دارد و خاتم متون وحیانی است. «تمام حقایق و معارف [به پیامبر داده شده است] و به همین دلیل قرآن تمام معانی کتب انبیای سابق را جمع کرده است» [53]. این نظریه را به بزرگانی همچون ابن عربی، [54] امام خمینی ((قدس سره))، [55] سید جلال الدین آشتیانی [56] و... [57] نسبت داده اند، این صاحب نظران معتقدند که «...چون ذات مقدس جلّ و علاء به حسب «كُلِّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» در کسوه اسماء و صفات تجلی به قلوب انبیاء و اولیاء کند و به حسب اختلاف قلوب آنها تجلیات مختلف شود و کتب سماویه که به نعت ایحاء به توسط ملک وحی، جناب جبرئیل بر قلوب آنها نازل شده، به حسب اختلاف این تجلیات و اختلاف اسمائی که مبدئیت برای آن دارد مختلف شود، پس هر اسمی که محیط تر و جامع تر است، دولت او محیط تر و نبوت تابعه او محیط تر و کتاب نازل بر او محیط تر و جامع تر است و شریعت تابعه او محیط تر و با دوام تر است. و چون نبوت ختمیه و قرآن شریف و شریعت آن سرور از مظاهر و مجالی یا از تجلیات و ظهورات، مقام جامع احدی و حضرت اسم ا... الأعظم است، از این جهت محیط ترین نبوات و کتب و شرایع و جامع ترین آنهاست.» [58] این نظریه که مبتنی بر آموزه های عرفانی است چندان مستدل به آیات و روایات نبوده و صرفاً با تبیین مقام عرفانی و معنوی نبی اکرم(صلی الله علیه وآله) استفاده جامعیت کتاب شریف قرآن را نموده اند. ولی شاید بتوان تبیینی که یکی از طرفداران آن رأی از حدیث شریف «أُعْطِيَ جَوَامِعَ الْكَلِمِ» [59] ارائه کرده است را از جمله دلائل و مستندات روایی ایشان دانست. ایشان می

گویند: «... و مراد از «جوامع الکلم» بودن قرآن، یا کلام آن سرور، آن نیست که کلیات و ضوابط جامعه [را] بیان فرمودند، بلکه جامعیت آن عبارت از آن است که چون برای جمیع طبقات انسان در تمام ادوار عمر بشری نازل شده، و رافع تمام احتیاجات این نوع است و...» [60] لذا جامع است، از این تقریر که بگذریم برخی از مدافعان این نظریه سعی در ارائه دلیل عقلی بر این مسئله نموده اند که ما به جهت رعایت خلاصه‌گزینی از نقل آن خودداری می‌کنیم. [61]

نظریه چهارم: عدم جامعیت قرآن:

این نظریه بر آن است که قرآن کمال دارد، همان گونه که خود قرآن بدان اشاره کرده است ولی جامعیت ندارد. [62] این رأی مبتنی بر تفاوت گذاشتن بر دو مفهوم جامعیت و کمال است. این نظریه را دکتر عبدالکریم سروش مطرح کرده و از آن دفاع کرده اند. ایشان معتقدند که «دین کمال دارد و نه جامعیت» [63] چرا که «فرق است میان کامل بودن و جامع بودن. جامع بودن یعنی همه چیز را در بر می‌گیرد، گویی دین سوپرمارکتی است که هر چه بخواهید در آن پیدا می‌شود.» [64] ایشان اگر چه صرفاً به تفاوت بین کمال و جامعیت دین اشاره کرده اند اما دلیل بیرونی ایشان که در ضمن مثالی تبیین شده عبارت است از: «برای مثال شما مثلثی رسم می‌کنید، این مثلث در مثلث بودن کامل است، ولی البته چهار ضلعی یا پنج ضلعی نیست. و کسی نمی‌تواند بگوید چون این مثلث چهار ضلعی یا صد ضلعی نیست پس ناقص است، هدف شما ترسیم یک مثلث بوده است و مثلثی که شما کشیده اید از این حیث کامل است، ولی البته سه ضلع، جامع الاضلاع مقدر و ممکن نیست.» [65] اشکال عمده این نظریه علاوه بر مستند نبودن آن به دلائل درونی دینی خلطی است که بین کمال دین و کمال قرآن رخ داده است. اگر چه برای این نظریه می‌توان دلائلی همچون: الف) سکوت متون دینی، ب) مطابقت داشتن این نظریه با واقعیات بیرونی و... را اقامه و ارائه کرد. به عنوان نمونه با اینکه در قرآن کریم با صراحت از کمال دین «اکملت» [66] و اتمام آن «أَتَمَمْتُ» [67] سخن به میان آمده است اما هیچ اشاره‌ای به مفهوم و یا واژه جامعیت نشده است. با توجه به مبانی ما در مورد قرآن و تأکید قرآن بر «تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ» بودن خود و از آن سو نپرداختن و تبیین نکردن جامعیت خود می‌توان نتیجه گرفت که جامعیت قرآن اگر مفهومی جدای از کمال دین داشته باشد بوسیله قرآن قابل اثبات نیست. روایات نیز که تفصیل دهنده قرآن و وحی اند همان گونه که اشاره کردیم [68] واژه جامعیت را به کار نگرفته اند و آنچه در روایات با تعبیری چون «لَمْ يَدْعُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ» [69] یا «ما من امر يختلف فيه اثنان إلا وله أصل في كتاب الله» [70] یا «ما يحتاجون إليه إلى يوم القيامة» [71] و... آمده است به نظر می‌رسد در مقام تبیین و توضیح همان مفهوم کمال قرآن و دین هستند و نه اینکه بخواهند مفهومی جدید که همان جامعیت باشد را اثبات و تبیین کنند. تذکر این نکته مفید است که: متأسفانه ظرافتها و ظرفیت های لازم مباحث علمی، در این مبحث بر جمعی از پژوهشگران پوشیده مانده و ایشان را به خلط و خطاهایی گرفتار کرده که می‌شد از آنها پرهیز کرد. خلط ها و خطاهایی چون یکسان انگاری مفهوم جامعیت و کمال، یکسان انگاشته شدن جامعیت قرآن با جامعیت دین و استناد به آیات دال بر کمال دین و شریعت، برای جامعیت قرآن از این نمونه هاست. [72] بر طبق مبانی شیعی قرآن مهمترین و اولین منبع وحی و دین است اما تمام آن نیست بلکه سنت نبوی(ص) و دیگر معصومین نیز بخشی از وحی و دین است و چه بسا که کسی معتقد باشد که دین جامعیت دارد ولی قرآن به تنهایی جامعیت ندارد. [73] یعنی چون دین شامل قرآن و سنت است لذا جامعیت دارد و در مقابل قرآن یا سنت را به تنهایی نمی‌توان جامع دانست.

پاورقی ها:

- [1] - گر چه تك نگاری های آن هم در مورد پاره ای از موضوعات علوم قرآنی راپاره ای از تاریخ نگاران گزارش کرده اند اما این تك نگاری ها تاثیر مورد نظر را در رویکرد درونی بر جای نگذاشته است.
- [2]. این تعبیر برگرفته از کتاب گرانقدر استاد آیت الله معرفت تحت عنوان «التمهید فی علوم قرآن» است.
- [3] - علوم القرآن عند المفسرین، ج 1، ص 9.
- [4]. با توجه به تصریح برخی نویسندگان مبنی بر اینکه برخی از مباحث علوم قرآنی ارتباطی مباحثی با محتوای قرآن دارند و بعضی دیگر از چنین ارتباطی برخوردار نیستند می توان فهمید که نوع اول از علوم قرآنی به دلیل ماهیتی که دارد از همان زمان نزول مورد توجه بوده است. بعنوان نمونه و می توان از مباحثی چون اسباب النزول، محکم و متشابه، قرائات و ... نام برد که مفسران ما روایات متعددی از پیامبر و اصحاب ایشان در هر يك از این مباحث نقل کرده اند که نشان از توجه دیرینه به این مباحث است: علوم القرآن عند المفسرین، ج 1، ص 9، تقسیم بندی فوق را دارد که علوم قرآنی بعضی شان ارتباط مباحثی با قرآن دارند و برخی از جنس دیگرند.
- [5]. به عنوان نمونه می توان از کتاب «جامعیت قرآن» سید محمد علی ایازی و مقالات: شیوه های تبیین جامعیت قرآن، سید ابوالفضل موسویان [نامه مفید ش 8] ، جامعیت و کمال، ولی الله نقی پورفر [پاسدار اسلام، ش 245] و جامعیت قرآن، محمد علی رضائی نام برد.
- [6]. الإیتقان فی علوم القرآن، ج 2، ص 393، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی.
- [7]. فرهنگ فارسی امروز، غلامحسین صدری افشار و...، ج 1، ص 390.
- [8] فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی بفارسی)، ترجمه المنجد، مترجم احمد سیّاح.
- [9]. الإیتقان فی علوم القرآن، ترجمه، ج 2، ص 393؛ بینات، ش 10، ص 25.
- [10]. فقه پژوهی قرآن، سید محمد علی ایازی، ص 201.
- [11]. ابن عربی، فصوص الحکم، ذیل روایت اوتیت جوامع الکلم «ای جمیع الحقایق و المعارف...».
- [12]. فقه پژوهی قرآن، سید محمد علی ایازی، ص 203.
- [13]. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج 1، ص 715.
- [14]. جامعیت و کمال قرآن، ولی ... نقی پورفر، مجله پاسدار اسلام، ش 245، ص 26.
- [15]. فقه پژوهی قرآنی، سید محمدعلی ایازی، ص 232-237.
- [16]. الإیتقان فی علوم القرآن، سیوطی، ج 4، ص 38، نوع 65، ترجمه آن، ج 2، ص 393 و 399 و
- [17]. عقل و حس را سوی بی سو ره کجاست. مثنوی معنوی، دفتر چهارم / بیت 1293.
- [18]. جواهر القرآن، غزالی ص 32 - 34.
- [19]. الإیتقان فی علوم القرآن، ترجمه، ج 2، ص 396.
- [20]. البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج 2، ص 2 - 181.
- [21]. الإیتقان، ترجمه، ج 2، ص 403.
- [22] - نظرات فی القرآن، حسن البناء، ص 223.
- [23]. این نظریه را به مرحوم آیه الله خوئی نیز نسبت داده اند . (نامه مفید، ش 8، ص 29).
- [24]. همانند، مدخل التفسیر فاضل لنکرانی، چهارده مقاله، حجتی، منبع 5.

